

درجه

بهترین‌های اکران ۹۶ در شبکه‌نمایش خانگی

● گروه هنر: بسیاری از فیلم‌های روز سینمای ایران با فاصله‌ای کوتاه از اکران، راهی شبکه‌نمایش خانگی می‌شوند و این امکان برای بسیاری که نتوانستند در مدت محدود نمایش فیلم، آن را در سینما ببینند فرصت خوبی است. به‌تازگی فیلم‌هایی که از بهترین‌های اکران ۹۶ بودند و مخاطبان بسیاری را با خود همراه کردند، وارد شبکه نمایش خانگی شده‌اند و مخاطبان این مدیوم می‌توانند نسخه کامل فیلم همراه با تصاویر پشت صحنه را در نسخه نمایش خانگی ببینند.

بهترین فیلم اکران تابستان



فیلم سینمایی «اکسیدان» ازجمله اکران‌های سال ۹۶ بود که توانست مخاطبان بسیاری را با خود همراه کند و در کیشه به موفقیت چشمگیری دست پیدا کرد. این فیلم کم‌دی که در زمان اکران با تحریم حوزه هنری، بسیاری از سینماهای نمایش‌دهنده‌اش را از دست داد، با حواشی بسیاری همراه بود و در نهایت در بین مخاطبان «سینما تیکت» به‌عنوان بهترین فیلم اکران تابستان معرفی و جواد عزتی در بین مخاطبان این سایت بهترین بازیگر اکران تابستان شناخته شد. «اکسیدان» به‌زودی در شبکه نمایش خانگی توزیع خواهد شد و مخاطبان این رسانه می‌توانند این فیلم را در فاصله کوتاهی از اتمام اکرانش به تماشا بنشینند. «اکسیدان» دومین تجربه کارگردانی حامد محمدی است. جواد عزتی، امیر جعفری، شبنم مقدمی، نقیقل دهقانی، رضا بهبودی، لیندا کیانی و علی استادی ترکیب بازیگران اصلی این فیلم سینمایی را تشکیل می‌دهد.

«رگ خواب» با درخشش لیلا حاتمی



فیلم سینمایی «رگ خواب» به کارگردانی حمید نعمت‌الله نیز ازجمله فیلم‌های اکران تابستان ۹۶ بود که با استقبال خوبی از سوی تماشاگزارانش روبه‌رو شد؛ فیلمی که برای لیلا حاتمی سیمرغ بلورین بهترین بازیگر زن جشنواره سی‌وینچم فیلم فجر را به همراه داشت. این فیلم همچنین در یازدهمین دوره جشن منتقدان و نویسندگان ایران درخشید و جایزه بهترین فیلم، بهترین کارگردانی، بهترین فیلم‌نامه، بهترین موسیقی متن، بهترین بازیگر مرد و زن شد و در نوزدهمین جشن خانه سینما نیز در پنج رشته جوایزی را دریافت کرد. این فیلم به نویسندگی معصومه بیات، زندگی مینا را روایت می‌کند که بعد از جدایی از همسرش به دنبال شغل و محل آسکانی است. در این مسیر با کامران، مدیر رستورانی که در آن کار می‌کند، آشنا می‌شود. کامران سرپناهی به او می‌دهد. مینا تحت‌تأثیر حمایت‌ها و محبت‌های کامران به او دل می‌بازد. کامران نیز به مینا مشتاق و علاقه‌مند است. روزها از پس هم می‌گذرد و عشق مینا به کامران کاسته نمی‌شود و اوج می‌گیرد. اما کامران دیگر قصد ادامه ندارد. لیلا حاتمی، کوروش تهامی و الهام کردا از جمله بازیگران این فیلم سینمایی هستند.

تجربه‌ای از رامبد جوان و نگار جواهریان



«نگار» ازجمله فیلم‌های جشنواره سی‌وینچم فیلم فجر بود که توجه بسیاری را به خود جلب کرد، چراکه در این فیلم رامبد جوان شیوه متفاوت‌تری از آنچه را پیش از آن از او دیده بودیم تجربه کرد و نقش اول فیلمش را به نگار جواهریان سپرد که برای او هم نقش سخت و متفاوتی محسوب می‌شد. با این حال، فیلم‌نامه احسان گودرزی و کارگردانی رامبد جوان در جشنواره فجر، این فیلم را در بسیاری از رشته‌ها نامزد دریافت جایزه کرده و در نهایت جایزه بهترین موسیقی متن را کسب کرد. این فیلم به ماجرای جنایی پرداخته؛ جایی که نگار جواهریان نقش دختری به نام نگار را بازی می‌کند. او دختر خانواده‌ای نیمه‌مرفه و اصیل است، پدر او در یک معامله اقتصادی شکست خورده و با اسلحه خودکشی کرده است. این تحلیلی است که پلیس نسبت به مرگ او اعلام می‌کند. اما نگار این تحلیل را باور ندارد و برای رسیدن به اصل ماجرا تصمیم می‌گیرد که روزهای آخر پدر را مرور کند. نگار جواهریان، محمدرضا فروتن، مانی حقیقی، افسانه بایگان، علیرضا شجاع‌نوری، علیرضا آقاخانی، آتیلا پسیانی، فریا کامران و اشکان خطیبی ازجمله بازیگران این فیلم سینمایی هستند.

بهناز شیربانی: «لیسانسه‌ها»، تجربه دیگری از سروش صحت و حاصل نگارش او و ایمان صفایی است؛ تجربه‌ای که به زعم صحت، تا به‌حال موفقیت‌آمیز بوده و قرار است ادامه‌دار شود. «لیسانسه‌ها» برخلاف ۲۴ قسمت اول که موافقان زیادی داشت، این‌بار بسیاری از تغییرلحن و به‌نوعی کم‌شدن بار کم‌دی کار صحت می‌کنند و دوپاره‌شدن سریال را یکی از نقاط ضعف آن می‌دانند. با سروش صحت درباره عکس‌العمل‌های مخاطبان سریال و کارهای اخیرش صحبت کردیم که شما را به خواندن این گفت‌وگو دعوت می‌کنیم.

❧ مقایسه بین فصل اول و دوم سریال «لیسانسه‌ها»:تا به‌حال بیشترین بحث و نظر را میان مخالفان و موافقان این مجموعه داشته است؛ مخالفان این فصل از جذابیت‌های سری اول صحت می‌کنند که به مرور رنگ‌گرم شده و قصه در فصل دوم گشش‌لازم را ندارد و برخی دیگر از جزئیاتی در کار حرف می‌زنند که در فصل گذشته نبوده، البته با این پیش فرض که طبق صحت‌های پیشین شما اساساً نمی‌توان این مجموعه را به دو فصل تفکیک کرد و درواقع تنها بین زمان پخش فاصله افتاده است.

بله، نکته اصلی این است که اصلاً دو فصل وجود ندارد. درحقیقت «لیسانسه‌ها» از ابتدا یک سریال ۶۰ قسمتی بود و با همین ذهنیت که سریال باید در این تعداد قسمت ساخته شود کار را شروع کردیم. زمانی که ۲۴ قسمت از مجموعه آماده شد، شبکه اعلام کرد که این تعداد قسمت آماده شده و پخش شود و ما همچنان بدون تعطیلی به کارمان که ساخت سریال بود، ادامه دادیم، اما نکته اینجااست؛ زمانی که قرار بود با وقفه‌ای ادامه سریال پخش شود، پایانی برای آن در نظر گرفتیم و این پایان هم به‌گونه‌ای بود که داستان همچنان ادامه دارد، چراکه طبعاً نمی‌شد مجموعه تا پخش قسمت‌های بعد به همین شکل رها شود. بنابراین صحبت‌هایی که درباره فصل دوم سریال می‌شود درست نیست، چراکه فاصله‌ای به‌لحاظ نگارش و ساخت بین این دو وجود نداشت. برای ما کار پیوسته ادامه داشت، اما چون می‌دانستیم قطعا این تصورات پیش خواهد آمد، در بخش دوم، مواردی را در اجرا اضافه کردیم؛ مثل برخی موزیف‌های فانتزی با تاش‌های فانتزی که می‌بینید؛ اینکه خواننده‌ای داریم و نکته‌هایی که حال‌وهوای این بخش را از بخش قبل متمایز کند. طبعاً اگر قرار بود فصل بعدی ساخته شود، باید شخصیتی کم یا زیاد می‌شد یا گسست زمانی اتفاق می‌افتاد و قصه باید از منطری دیگر و از جای دیگری شروع می‌شد. طبعاً اگر ساخت «فوق لیسانسه‌ها» را آغاز کنیم همه چیز تفاوت خواهد داشت.

❧ البته شاید همین تغییرات جزئی است که عکس‌العمل‌ها نسبت به این بخش را متفاوت کرده و برخی از کم‌شدن بار کم‌دی سریال صحت می‌کنند...

روزی که بخش‌های فانتزی را به مجموعه اضافه می‌کردیم، هم من و هم ایمان صفایی حدس می‌زدیم که به سمت چیزهایی حرکت می‌کنیم که مردم خیلی به آن عادت ندارند. می‌دانستیم مخاطبان ما دو گروه خواهند شد؛ عده‌ای که خیلی بیشتر از قبل سریال را دوست خواهند داشت، یک سری هم که همه چیز را مثل قبل می‌پسندند. دقیقاً همین اتفاق افتاد و قابل پیش‌بینی بود. طبیعی است برای هر کاری که مورد قبول واقع می‌شود، وقتی تغییراتی ایجاد شود، عده‌ای که به ساختن پیشین عادت کرده‌اند معترض خواهند شد و مقایسه می‌کنند.

❧ جدا از فصل‌بندی‌ها و واکنش‌های متفاوتی که مخاطبان در این مدت داشته‌اند، نکته جالبی درباره این مجموعه وجود دارد. به نظر می‌رسد به مرور طی ساخت این مجموعه به زبان جدیدی در گفتار طنز رسیدید که کمترین انتقادها را در تلویزیون داشت. شاید بتوان از این زاویه نگاه کرد که «لیسانسه‌ها» با دست‌مایه‌قراردادن انتقادهای مبسوم در تلویزیون، توانست توجه بیشتری را جلب کند.

بعد از «شمعدونی» احساس کردم دیگر نمی‌توانم کار طنز انجام بدهم. با ایمان صفایی تصمیم گرفتیم چیز دیگری بنویسیم و طرح سریال ملودرام در ذهنمان بود، چون فکر می‌کردم دیگر با چه چیزی می‌توان شوخی کرد؟ در حقیقت با هیچ چیز و با هیچ‌کس نمی‌توان شوخی کرد. آن‌قدر احساس فشار می‌کردم و حس می‌کردم دست‌وپایم بسته است که اصلاً به ساختن سریال طنز فکر نمی‌کردم. بسیاری



هنر

گفت‌وگو با سروش صحت

فکر می‌کردم دیگر کار طنز انجام نمی‌دهم



عکس: رنوف رستمی، شوق

حذف شده، اما من را خیلی اذیت نکرد و از برابند کار راضی و خوشحالم. کلیت اتفاقی که قرار بود ساخته شود برابرم اهمیت بیشتری داشت، اینکه توانستیم با خیلی‌ها شوخی کنیم و شوخی‌ها پذیرفته شد و مردم به آن خندیدند و حس نکردند به کسی توهین شده است، اتفاق مهمی بود. ما با بسیاری از چهره‌ها، مثل آقایان تاج، گفاشیان، خیابانی، احسان علیخانی، فرزاد فریزن و... شوخی کردیم و هیچ‌کدام واکنش بدی نشان ندادند. رضا صادقی بخش‌هایی را که با او شوخی شده، روی صفحه شخصی‌اش گذاشته است. این اتفاق خوبی است که شوخی توهین نیست و حس می‌کنم پذیرفته شده است.

❧ از شرایط حال حاضر تلویزیون صحبت کردید، به نظر می‌آید حجم قابل توجه ساخت آثار کم‌دی در سینما چشمگیرتر است و قطعاً سال آینده با درصد بالاتری از فیلم‌های کم‌دی روبه‌رو خواهیم

شد. به عنوان کارگردانی که به‌زودی ساخت فیلم کم‌دی را آغاز خواهید کرد، چه نگاهی به این بخش دارید؟ اساساً ساخت تعداد زیادی از آثار کم‌دی در سینمای ایران تابع شرایط خاصی است؛ مثل اینکه مردم به دنبال فضایی هستند که فارغ از تمامی مسائل و مشکلات بخندند و خودشان را رها کنند. طبعاً فیلم‌های کم‌دی پر فروش می‌شود چون مردم این فضا را می‌خواهند. در این مدت فیلم‌های کم‌دی خوبی ساخته شد. فقط امیدوارم پرفروش‌شدن فیلم‌های کم‌دی باعث نشود کم‌دی‌ها دم‌دستی شوند. در این مدت کارهای کم‌دی خوب دیده شدند و فروش خوبی هم داشتند. برخی هم ممکن است از هر ابزاری برای خنداندن مخاطب استفاده کنند، اشکالی هم ندارد؛ همه جای دنیا این هست که فیلم‌های خیلی خوب و خیلی بد کم است و اکثر فیلم‌ها متوسط هستند و نمی‌توان گفت کاری کنیم که دیگر فیلم متوسط و بد ساخته نشود. اما امیدوارم همین‌طور که فیلم‌های کم‌دی خوب می‌فروشد، باعث نشود سینمای کم‌دی کم‌اهمیت شود و جدی به آن نگاه نشود؛ چه از طرف سازندگان و چه از نظر مخاطب. من هم به‌زودی ساخت یک اثر سینمایی طنز را شروع خواهم کرد تا پیش از اینکه سریال «فوق لیسانسه‌ها» را بسازم و تصور می‌کنم تا آخر عمر حتی اگر یک درام تلخ بسازم، باز هم رگه‌هایی از طنز در آن پیدا خواهم کرد و مایلم به این شکل فیلم بسازم.

❧ مدت‌هاست مشغول کار در تلویزیون هستید، امیدوارم پرفروش‌شدن فیلم‌های کم‌دی باعث نشود کم‌دی‌ها دم‌دستی شوند. در این مدت کارهای کم‌دی خوب دیده شدند و فروش خوبی هم داشتند. برخی هم ممکن است از هر ابزاری برای خنداندن مخاطب استفاده کنند، اشکالی هم ندارد؛ همه جای دنیا این هست که فیلم‌های خیلی خوب و خیلی بد کم است و اکثر فیلم‌ها متوسط هستند و نمی‌توان گفت کاری کنیم که دیگر فیلم متوسط و بد ساخته نشود. اما امیدوارم همین‌طور که فیلم‌های کم‌دی خوب می‌فروشد، باعث نشود سینمای کم‌دی کم‌اهمیت شود و جدی به آن نگاه نشود؛ چه از طرف سازندگان و چه از نظر مخاطب. من هم به‌زودی ساخت یک اثر سینمایی طنز را شروع خواهم کرد تا پیش از اینکه سریال «فوق لیسانسه‌ها» را بسازم و تصور می‌کنم تا آخر عمر حتی اگر یک درام تلخ بسازم، باز هم رگه‌هایی از طنز در آن پیدا خواهم کرد و مایلم به این شکل فیلم بسازم.

❧ مدت‌هاست مشغول کار در تلویزیون هستید،

در کنارش اجرای برنامه «کتاب باز» را انجام می‌دهید و به نظر می‌رسد در حال حاضر فعالیت در تلویزیون را ترجیح می‌دهید، همین‌طور است؟ چیزی که در حال حاضر برابرم اهمیت دارد و دوست دارم مردم هم به آن برسند، آرامش و رضایت درونی است. امیدوارم کمی همدیگر را بفهمیم و خیلی ببخشیم. این روزها بیشتر از قبل آرامش درونی دارم و سعی می‌کنم کارهایم را با آرامش پیش ببرم؛ علاوه بر اینکه برای کارهای آینده برنامه‌ریزی کرده‌ام.

❧ برنامه «کتاب باز» از ابتدای پخش توانسته مخاطبانیش را با خود همراه کند و از سوی دیگر تصور می‌کنم علاقه‌مندی شخصی شما به کتاب و کتابخوانی اتفاق بهتری برای برنامه‌ای است که نمونه‌اش را در رسانه ملی کمتر سراغ داریم. چقدر روند این برنامه برای شما راضی‌کننده است؟ برنامه «کتاب باز» را دوست دارم. اساساً چند چیز را خیلی دوست دارم؛ دوستانم را دوست دارم و بسیاری از میهمانان برنامه، کم یا زیاد از دوستانی هستند که با آنها آشنایی دارم و این برابرم دلنشین است. حرف‌زدن و حرف‌شنیدن را دوست دارم. این برنامه هم گفت‌وگومحور است و از این جهت هم برابرم جالب است. موضوع برابرم مهم است و یکی از موضوعات مورد علاقه من کتاب است. هرکسی در زندگی علاقه‌مندی‌هایی دارد و یکی از علاقه‌مندی‌های من هم کتاب است و تصور کنید هر آنچه من دوست دارم در این برنامه وجود دارد و چه بهتر از این؟ و اتفاقی که افتاده این است که خیلی بیشتر از چیزی که ما فکر می‌کردیم، برنامه دیده شد و بازتاب داشت و این انرژی من را برای ادامه روند اجرای برنامه زیاد می‌کند. بسیاری از افرادی که روزانه با آنها معاشرت می‌کنم، همان قدر که در مورد «لیسانسه‌ها» حرف می‌زنند، درباره «کتاب باز» هم صحبت می‌کنند، بسیاری باز به کتاب‌خواندن علاقه‌مند شدند. حتی پیام‌های بسیاری از خارج از ایران دارم و همه اینها خوشحالم می‌کند.

❧ چرا کمتر بازی می‌کنید؟ سعی می‌کنم نوشتن، بازی، کارگردانی و کارهای مطبوعاتی را در کنار هم پیش ببرم و هیچ‌کدام را کنار نگذارم. در حال حاضر ترجیح می‌دهم کارهایی را انجام دهم که بیشتر دوست دارم. اساساً بازیگری نیستم که برای هر نقشی مناسب باشم و برای بعضی نقش‌ها مناسب هستم. وقتی متوجه می‌شوم انتخاب مناسبی برای نقشی نیستم، بازی نمی‌کنم. قبلاً این‌طور نبود؛ می‌رقسم و بازی می‌کردم. از طرف دیگر بازیگری هستم که حتماً باید کارگردان بالای سرم باشد و هدایت‌م کند. درحال حاضر به این چیزها بیشتر دقت می‌کنم، طبعاً وقتی مشغول کار هستم و کارگردانی می‌کنم، فرصت بازی کردن ندارم.

❧ نویسم بازیگر گزیده‌کاری هستم، اما سعی می‌کنم حواسم را جمع کنم. خیلی‌وقت‌ها حتی با حواس جمع هم اشتباه می‌کنی، چه برسد به اینکه روی برخی مسائل بیشتر دقت کنی. اما سعی می‌کنم به نسبت گذشته بیشتر دقت کنم.

❧ ظاهراً تجربه نویسندگی مشترک با ایمان صفایی موفقیت‌آمیز بوده و ادامه‌دار خواهد شد.

بله. امیدوارم تا آخر عمرم هر کاری که در حوزه نمایشی می‌نویسم با ایمان مشترک باشد. این تجربه آن‌قدر برابرم جذاب بود که تصور می‌کنم من و ایمان تبدیل به یک نفر شده‌ایم و فیلم‌نامه‌نوشتن با او برابرم جذاب است، با این حال هرکدام از ما علاقه‌مندی‌های خاص خودمان را داریم و مثلاً به‌تهایی داستان می‌نویسیم، اما قطعاً در حوزه نمایش، فیلم‌نامه سریال یا سینمایی یا نمایش‌نامه تجربه همکاری مشترک اتفاق بهتری است.

❧ ترکیب بازیگران «لیسانسه‌ها» از نقاط قوت کار بود. در ادامه ساخت «فوق لیسانسه‌ها» هم همین ترکیب را خواهیم دید؟

همیشه برای من بخش انتخاب بازیگر مهم و هیجان‌انگیز و با ریسک همراه است. خوشحالم که مردم هم از این انتخاب راضی هستند. الان که بازی‌ها را می‌بینم، غیر از سه شخصیت پسر سریال که بسیار درخشان بازی کردند، چقدر بازیگران دیگر خوب و عالی بودند. در مدتی که به بازیگران این مجموعه فکر می‌کردم برابرم مهم بود که هم فیزیک بازیگران و هم شیمی آنها مخاطب را جذب کند و به نظر من این اتفاق رخ داد و همه چیز درست پیش رفت. اما در «فوق لیسانسه‌ها» طبعاً به دلیل اینکه مجموعه دیگری است، شاید تغییراتی ایجاد شود و بازیگران ما زیاد شوند.



عکس‌ها: سمیرا یفتیاری

نگاه

نگاهی به «قاتل اهلی»

ترسیدن از کبریت

● بهمن شیرمحمد: ۱- در اغلب فیلم‌های مسعود کیمیایی همواره ردپایی از سیاست وجود دارد؛ ردپاهایی که به فراخور موقعیت فیلم با گذرگاه‌های تاریخی این سرزمین کمرگ و پررنگ شده‌اند؛ از «قصر» که اقدام فردی قهرمان فیلم، به‌نوعی بی‌اعتمادی به سیستم حاکم را تعبیر می‌کرد تا ردپاهایی عمیق‌تر همانند «گوزن‌ها» یا واضح‌تر مثل «سفر سنگ» در پیش از انقلاب تا «دندان مار» و «ردپای گرگ» در پس از انقلاب، اما نکته مشترکی که بین تمام مثال‌هایی که زده شد وجود دارد، حضور سیاست نه به‌عنوان آشخور اصلی فیلم که به‌عنوان پس‌زمینه در آثار اوست. مسعود کیمیایی در طول این پنج دهه با پافشاری و تقید بر فرمولی ساده و شخصی، هر برهه از تاریخ اجتماعی، سیاسی این مملکت را به تلقی شخصی‌اش از درام پیوند زده که طبعاً گاهی اوقات موفق بوده و گاهی هم نه. گذشت زمان و قضاوت بر مبنای تاریخ هم نشان داده که بیشتر در آنهایی موفق بوده که بستر لازم برای نقب‌زدن به شرایط حاکم را فراهم کرده است و البته چیزی که در این میان همواره پرزده بوده، نه رویکرد شخصی او به سیاست، بلکه خلق آدم‌ها و روابطی است که دیگر باید آنها را به‌عنوان یک کهن‌الگو در سینمای کیمیایی پذیرفت؛ همان‌طور که به‌عنوان مثال از گوزن‌ها بیشتر رفافت سید و قدرت و تأثیر آن بر درام در ذهنمان باقی مانده تا نحوه حضور و زیست یک چریک در دهه ۵۰ شمسی در ایران، «قاتل اهلی»، واپسین ساخته مسعود کیمیایی، غلیظ‌ترین و تندترین واکنش مسعود کیمیایی به وضعیت اجتماعی و سیاسی ایران در پس از انقلاب است. کیمیایی در تازه‌ترین اثرش به سراغ شخصیتی رفته که با تمام اطلاعات ناقصی که از او داریم، ارتباطی انکارنشدنی با یک ناکد امنیتی دارد که البته نکته چندان تازه‌ای نیست. کیمیایی پیش‌تر با امانی (سعدی راد) در خط قرمز، بازپرس جلالی (فرامرز صدیقی) در تیغ و ابریشم و علی یزدانی (فریبرز عرب‌نیا) در صیافت حضور مأمور امنیتی در آثارش را آزموده بود. این‌بار قرار است شاهد کشمکش دو گروه سیاسی باشیم، گروه حاج‌جلال سروش و تشکیلاتی نامشخص و فرضی به نام پیسارو، اطلاعاتی که از مقام و جایگاه جلال سروش داریم مبهم و ناآلفی است. به همین دلیل است که بازی پرسوپی هم با تمام انتظاری که داریم به دلیل تناقضات شخصیتی کاراکتر حاج‌جلال چندان مجاب‌کننده نیست؛ یک رزمنده سال‌های جنگ که حالا پایش به عرصه‌های کلان اقتصادی باز شده، از زمانی دور سرپرستی تعدادی بچه یتیم را پذیرفته که بهترینشان؛ یعنی سیاوش مطلق (امیر جدیدی) حالا دست راست و همه‌کاره اوست، پولدار است و در خانه‌ای مجلل زندگی می‌کند؛ نشانه‌های رویکردش به مذهب بسیار پررنگ تصویر شده؛ از دیالوگ‌ها تا تأکید فیلم‌ساز بر نمازخواندنش. توانایی این را دارد که در کمتر از یک روز کنسرت تعطیل‌شد یک خواننده معترض را دوباره برپا کند. اما در لحظاتی تهایی و بی‌پناهی‌اش از سوی فیلم‌ساز مؤکد می‌شود.

۲- قاتل اهلی آشکارا فیلمی دوباره است. دو تکه می‌جزا که قرار است در گرانیگاهی ملتعب به هم متصل شوند. قصه جلال و ماجرای پول‌شویی و فساد و پیسارو از یک‌سو و قصه خواننده معترضی به نام بهمن (پولاد کیمیایی) که دل‌بسته دختر قهرمان فیلم است. کیمیایی اصرار دارد با مونتاژ موازی هر دوقصه را داشته باشد. درحالی‌که اتفاقی که در فیلم افتاده از این قرار است: انباشت ناقله‌ها و متورم‌شدن روایت که به ابهامات فراوان در قصه اول انجامیده و خالی‌بودن قصه دوم (در واقع قصه‌ای در کار نیست). در قصه اول دو کشمکش اساسی در جریان است. جلال با پیسارو و جلال با اطرافیانش که دومین زاییده کشمکش نخست است. شک و تردید و بدگمانی حس جاری اغلب سکانس‌هاست. حالا دنیای فیلم‌ساز که زمانی در آن دو رفیق به هم ایمان داشتند، تبدیل به دنیایی بی‌اعتماد و سست بنیاد شده که در آن سیاست‌ها باید از ابتدا دروین را روشن کند و بعد برای پس‌گرفتن هارد از افراد پیسارو اقدام کند تا حقانیتش ثابت شود.

۳- لالاق نسبت به سه فیلم اخیر کیمیایی، قاتل اهلی به‌لحاظ سروشکل سکانس‌ها و رنگ و لعاب و استتیک تصاویر و در مجموع کارگردانی در مرتبه بالاتری می‌ایستد. سکانس خوب کم ندارد؛ ملاقات حاج‌جلال با آقانویرا درگیری سیاوش با افراد پیسارو روی پله‌ها و سکانس ملاقات سیاوش با احمد کیا (حمیدرضا آذرنگ) و چند صحنه خوب دیگر که گواه این مطلب‌اند که کیمیایی هنوز قدر لحظات خوب سینمایش را می‌داند و نکته غم‌انگیز ماجرا هم همین‌جاست. این میزان پتانسیل تلف‌شده را در کمتر فیلمی از کیمیایی در این سال‌ها سراغ دارم. از امیر جدیدی که به نحوی خارق‌العاده حلقه مفقوده کیمیایی در ۱۰ سال اخیر به نظر می‌رسد و به نظر بهترین سکانس‌ها و لحظات فیلم متعلق به اوست؛ از نوع راه‌رفتنش، نحوه سرد ادای دیالوگ‌های خاص کیمیایی، بدون فشارآوردن به عضلات چهره‌اش تا خشونت نهاده‌شده و چهره مصممش. از حضور بسیار خوب و دیدنی بازیگران توانایی چون پرویز پورحسینی و حمیدرضا آذرنگ تا حمیدرضا افشار و فیلمبرداری خوش‌استایل فرشاد محمدی و... اما حیف که تمام این عناصر متأسفانه منجر به رخ‌دادن اتفاق خوبی از مسعود کیمیایی نشده‌اند. اتفاقی که نطفه‌اش باید روی کاغذ بسته می‌شد و در اجرا می‌توانست تبدیل به بهترین فیلم مسعود کیمیایی لالاق در ۱۰ سال اخیر شود.